

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: بایرون و. کینگ
برگردان و یادداشت: بهمن شفیق
۱۰ اپریل ۲۰۲۲

روسیه سلاح طلا را به کار می‌گیرد



اما یک اسلحه دیگر روسی هم هست که اخیراً به کار گرفته شده است و به نظر می‌رسد بسیار خوب کار می‌کند. شما این سیستم را در میدان نبرد نمی‌بینید. حقیقتاً این دستگاه روسی یک اسلحه اقتصادی است و ممکن است تبدیل به یکی از مؤثرترین ابزارهای جنگ در دوران مدرن شود.

یادداشت:

آندره مارتیانوف بدون تردید یک کارشناس نظامی خیره است. به ویژه در زمینه شناخت از فنون جنگاوری روسیه. از جمله دلایل این خیرگی مارتیانوف نیز یکی این است که وی در اتحاد شوروی آموزش دیده است و برای علوم طبیعی و ریاضی ارزش بسیاری قائل است. خلاف سیاستمداران و ژورنالیستها و «کارشناسان» غربی که عمدتاً در علوم سیاسی یا جامعه‌شناسی و فلسفه و به ویژه در حقوق آموزش دیده اند. همین توجه مارتیانوف به علوم طبیعی باعث می‌شود که وی در میان صاحب نظران اقتصادی و سیاسی نیز رد پای کسانی را بخوبی دنبال کند که بر اهمیت وجوه مادی تحول اجتماعی واقفند و کل اقتصاد و سیاست را با بالا و پائین رفتن بورس و اعداد و ارقام بازارهای مالی تحلیل نمی‌کنند، بلکه به عکس، آن بازارهای مالی را بر اساس تحولات مادی تر تحلیل می‌کنند. مستقل از این که دیدگاه

سیاسی شان چه باشد. همانطور که دیدگاه سیاسی مارتیانوف به عنوان یک محافظه کار مانع از به رسمیت شناختن شایستگی‌های وی در عرصه نظامی نمی‌شود.

بایرون و. کینگ نمونه شاخصی از چنین کارشناسانی است که مارتیانوف مقاله زیر از او را توصیه کرده است. دید کینگ در مقاله نشان می‌دهد که او را در زمینه اقتصادی بیشتر باید در زمره اقتصاددانان کلاسیک و شاید هم مکتب اتریشی فون میزس دانست. اما توجه به این نکته جالب است که وی از آموزش مدرسی اقتصادی برخوردار نیست. در معرفی اش می‌خوانیم: "بایرون کینگ درباره موضوعات انرژی، مواد معدنی، اقتصاد، نظامی و ستراتیژیک می‌نویسد. او یک جغرافیه دان است با پس زمینه در ژئوکیمی، معدن‌شناسی و کریستالوگرافی. او در صنایع انرژی کار کرده است و بیش از ۳۰ سال نیز در نیروی بحری امریکا خدمت کرده است. او مدارج دانشگاهی خویش را از هاروارد، کالج نیروی بحری و دانشگاه پیتسبورگ اخذ کرده است." چنین کسی براحتی می‌تواند بفهمد که بورس و بورس باز و خدمتگزارانشان در سیاست و رسانه نمی‌توانند برای همیشه مسیر تاریخ را رقم زنند و دیر یا زود به زمین واقعیت باز گردانده می‌شوند.

ارزیابی کینگ از عمق و ابعاد تحول اقتصادی در حال وقوع در سطح جهانی به بهترین وجهی علت وحشت دسته جمعی حاکم بر جهان یورو-دالری غرب را نشان می‌دهد. آنچه در میدان نبرد اوکراین اکنون درباره اش جدال صورت می‌گیرد، چیزی کمتر از یک نبرد جهانی برای تعیین سیادت بر جهان نیست و در این جنگ این غرب یورو-دالری است که از نظر ستراتیژیک در موقعیت بازنده قرار دارد. کینگ فقط به برخی از نتایج این روند می‌پردازد. نتایجی که به نظر من بسیار فراتر از آن چیزی هستند که کینگ و یا نظریه پردازان مشابه دیگری عنوان می‌کنند که موضوع را گذار به یک سیستم پولی متفاوت در جهان تلقی می‌کنند. ما از زمان بحران سالهای ۲۰۰۸-۲۰۰۹ در فواصل مختلفی عنوان کرده‌ایم که بدون تخریب وسیع نیروهای مولده از طریق جنگ، ورود سرمایه داری در سطح جهانی به دوره ای از رونق امکانپذیر نخواهد بود. مازاد سرمایه موجود در سطح جهانی با ترکیب ارگانیک بی سابقه بالای سرمایه همراه با تمرکز و تراکم عظیم، همراه با درجه بالای تکامل تکنولوژیک ابزارها و سازمان تولید و همه اینها همراه با کاهش نرخ سود در سطح جهانی امکان یک رونق عمومی و نسبتاً پایدار در سرمایه داری جهانی، مشابه دوران بعد از جنگ دوم جهانی، را از بین برده اند. به نظر می‌رسد آنچه ما شاید در اشکال دیگری تصور می‌کردیم، اکنون در حال وقوع است و شاید خلاف انتظار ما غرب یورو-دالری در موقعیت بازنده ای بسیار بد قرار گرفته است. تصور خود من این بود که در جنگ بزرگ آتی اقتصادهای کلان یک یا دو کشور قدرتمند مورد هجوم قرار خواهد گرفت. آنچه اما در حال وقوع است جنگی است به پهنای جهان و این روسیه است که در موقعیت ستراتیژیک برتر قرار گرفته است.

درباره این موضوعات لازم است که حتماً بیشتر بنویسیم. اما اشاره به یک نکته دیگر لازم است. کینگ در پایان مقاله اش علت همه این تحولات منفی به زیان غرب را در این توضیح می‌دهد که تنها عده محدودی در غرب قادر به فهم آن بودند که «طلا پول است». این عین رویکردی است که مارتیانوف نیز نسبت به الیت غربی دارد. البته که این انتقاد به الیت غرب انتقادی است بجا. بسیاری از رهبران غرب احمق هائی هستند که کمترین درکی از زندگی واقعی روی زمین دارند و در هفته‌ها و ماههای اخیر این ناهنجاری به شکل غریبی ظاهر نیز شده است. وقتی وزیر دفاع المان صحبت از تحریم رئیس جمهور روسیه و ممانعت از خرید وی در شانزه لیزه می‌کند، وقتی وزیر دفاع انگلیس با کلاه و پالتوی پوستی از لندن به مسکوئی می‌رود که در آن روز از هوای گرمتری برخوردار است، اندازه واقعی فهم و شعور و ارتباط این الیت با زندگی واقعی است که به نمایش در می‌آید. با این همه، این نادانی علت وضعیت موجود نیست. این معلول روندی در توسعه اجتماعی است که در آن مؤلفه‌های ایدئولوژیک هر چه بیشتر از پایه‌های مادی جدا

شدند و به حیاتی مستقل در جهانی موازی با جهان واقعی پرداختند. شناختن این روند است که تعیین کننده است نه پی بردن به حماقت رهبران غربی. و در این باره حتماً و حتماً لازم است که بیشتر اندیشیده شود.

بهمن شفیق

۲۰ فروردین [حمل] ۹/۱۴۰۱ اپریل ۲۰۲۲

اگر شما اخبار جنگی اوکراین را نگاه می کنید، بدون تردید تاکنون تصاویر دلخراشی از لاشه های تانکها، کامیونهای سوخته، نفربرهای درهم خرد شده و خیلی چیزهای دیگر را دیده اید. این که روسی یا اوکراینی باشد، فرقی نمی کند. تقریباً همه چیزهایی که شما می بینید بر اساس تکنولوژی قدیمی دوران شوروی است، از قبیل تانکهای تی ۷۲ یا ۶۴ و نفربرهای زرهی صندوق مانند و غیره. وقتی که یک راکت به آنها برخورد می کند، مهمات و سوخت درون آنها به جوش می آید و کل دستگاه مانند مشعلی شعلهور می شود. آشکار است که دیزاین بدی دارند.

اما یک اسلحه دیگر روسی هم هست که اخیراً به کار گرفته شده است و به نظر می رسد بسیار خوب کار می کند. شما این سیستم را در میدان نبرد نمی بینید. حقیقتاً این دستگاه روسی یک اسلحه اقتصادی است و ممکن است تبدیل به یکی از مؤثرترین ابزارهای جنگ در دوران مدرن شود و این اسلحه آن است که دولت روسیه اخیراً ارز کشور را به طلا پیوند داده است و در حال حاضر بانک مرکزی روسیه تا روز ۲۸ جون در حال خرید طلا به قیمت ثابت ۵۰۰۰ روبل برای هر گرم است. (برای بعد از آن باید منتظر ماند.)

چرا این موضوع مهم است؟ روسیه با این کار یک نظام خرید طلای مورد حمایت دولت را ایجاد کرده است. در اصل، با این کار روسیه یک استاندارد طلای جهانی جدیدی را با کفی کاملاً مشخص زیر قیمت [کنونی طلا] تثبیت کرده است. این کاری است بزرگ. این اقدام قیمت طلا را به حرکت در می آورد، رو به بالا. چرا؟ در روزی که روسیه قیمت خریدش را روی ۵۰۰۰ روبل تعیین کرد، با نرخ تبدیل دالر به روبل قیمت طلا برای هر اونس به ۱۵۵۰ دالر می رسید که زیر قیمت طلای بازار لندن بود. چیز قابل توجهی نیست، درست است؟ بله، همان موقع نه، آن زمان هنوز نبود.

اما چیز دیگری هم اتفاق افتاد. در عرض چند روز پس از اعلام رابطه روبل و طلا از طرف روسیه، ارزی روسیه به شدت شروع به افزایش ارزش در مقابل دالر کرد. امروز، دو هفته بعد از آن اعلام اولیه، همان ۵۰۰۰ روبل برای هر گرم به یک قیمت طلای ۱۹۲۵ دالری برای هر اونس تبدیل می شود که تقریباً همان نرخ بازار لندن است. به بیانی دیگر، روسیه با تثبیت سخت روبل به طلا در ارزشگذاری دالر-روبل نیز تعادل به وجود آورد. این چه معنایی دارد؟ اینطور به موضوع نگاه کنید: روسیه به این ترتیب توانایی معامله گران طلای «کاغذی» برای فروش بیش از اندازه این فلز به زیر قیمت را از بین برد تا مانع باز شدن در برای ورود سوداگران [arbitrageurs به کسانی اطلاق می شود که از اختلاف قیمت یک کالا در دو بازار سود می برند] شود.

متوجه شدید؟ با این کف قیمتی که روسیه برای طلا گذاشته است ریسک بالایی برای معاملات نزولی [معاملات زیر قیمت] وجود دارد.

بسیار هوشمندانه. روسیه فقط نیامد بیرون که به سادگی شروع به خرید دالر کند تا بازار را به مخصصه بیندازد و [از فروشندگان] خواستار تحویل طلا شود و طلای فیزیکی خریداری شده را مطالبه کند و به این ترتیب به معنای دقیق کلمه «بانک را بزند». نه. نه با زور عریان مثل تانکی که وارد شهر می شود. حتی بیشتر از این، اگر روسیه دست به

این کار می‌زد بازارهای معامله طلا راهی برای زیر پا گذاشتن این قراردادهای خرید و فروش پیدا می‌کردند و گناه آن را هم به گردن «تحریمها» یا چیز دیگری می‌انداختند و [می‌گفتند] "طلانی برایت در کار نیست، ایوان!" بنا بر این از این نظر روسیه کاملاً زیرک بود و خرید طلا به قیمت ثابت را پیشنهاد کرد و با این کارش روسیه عرصه بازی جدیدی در اقتصاد را در سرتاسر جهان باز کرد. این عرصه در حال حاضر در وضعیت نطفه‌ای است اما تردیدی در این نیست که این یک پلاتفرم موازی به رژیم مبتنی بر دالر است که از زمان جنگ دوم جهانی تاکنون برقرار بوده است.

اکنون ما سناریوی جدیدی داریم. یک کف قیمتی متکی بر طلا که حتی تعرضی ترین تاجران طلا و شکل دهندگان به بازارها قادر به فروش نزولی زیر قیمت آن نیستند که مبادا خود در دام نله تجاری خویش گرفتار شوند. اما در این نقطه این پرسش بجا است که چه چیزی باعث می‌شود که نقشه روسیه کار کند؟ این نقشه چقدر مؤثر خواهد بود؟

در فاز اولیه اش، موفقیت (یا عدم موفقیت) این گامی طلای روسیه بستگی به صادرات گاز طبیعی آن دارد. یعنی روسیه به تمام خریداران گفته است که گاز خود را به «دولتهای غیر دوست» تنها به روبل خواهد فروخت. این در اساس، خریداران را دو شقه می‌کند. همه چیز مرتبط می‌شود با موضع سیاسی آن نسبت به عملیات نظامی روسیه در اوکراین. از نظر عملی برای کشورهای اروپائی روسیه دیگر دالر و یورو در ازای گاز را نمی‌پذیرد. فقط روبل (و البته یا طلا). و یکبار، در عرض چند روز، خیلی از کشورهای خریدار گاز باید با مقدار زیادی روبل حاضر شوند. برای مدت پیش رو (تاریخ ۲۸ جون ذکر شده در بالا را به خاطر بیاورید) احتمال بیشتر در این است که روسیه اعلام کند نفت خود را نیز به روبل می‌فروشد که به معنای آن است که این خبری است که از سوی یکی از سه عرضه کننده بزرگ نفت در جهان می‌آید و بعد، صادرات مواد معدنی و محصولات کشاورزی و در اصل هر چیز دیگری هم خواهد بود.

اگر شما ارزش گاز، نفت، مواد معدنی، محصولات کشاورزی و سایر اقلام را روی هم اضافه کنید – اسلحه به ذهن متبادر می‌شود – ارزش کلی حدود نیم تریلیون دالر در سال به دست می‌آید. حالا این همه را به روبل ترجمه کنید، حجم عظیمی از مبادله ارزی بانکی را خواهید داشت. یا جمع صادرات روسیه به ارزش دالر را به طلای ۵۰۰۰ روبلی ترجمه کنید، مقدار عظیمی طلا حاصل خواهد شد.

همین الآن هم در تمام جهان آدم‌ها، کمپانی‌ها و کشورهایی که ذخیره دالر در اختیار دارند در خلوت خودشان در حال مرور این وضعیت جدید پولی اند و با در نظر گرفتن بیمیلی عمومی ارزشگذاری برای طلا در تفکر مدرن پولی غرب، خیلی چیزها هستند که باید مرور شوند. در واقع، انضباطی خیلی زیاد.

خوب، خواهیم دید. و به یاد داشته باشیم که «خرید ممکن است دیر به دست بیاید، اما به ندرت هرگز نمی‌آید». یعنی این که دیر یا زود آدمها متوجه خواهند شد که اگر گاز، نفت، مواد معدنی و غذا و چیزهای دیگر روسیه را می‌خواهند باید اول با چنگال روبل جمع کنند و خیلی از ذخیره کنندگان دالر بارشان را سبک خواهند کرد و دالرهايشان را می‌فروشند تا روبل یا طلای فزینی بخرند.

هر طور ببینیم، ما شاهد تضعیف دالر خواهیم بود. شاید کمی و به تدریج، شاید هم خیلی و سریع؛ در حالی که روبل احتمالاً تقویت خواهد شد که به معنای آن خواهد بود که نرخ تبدیل دالر-روبل هم افزایش خواهد یافت.

در پایان ماجرا قیمت دلاری طلا افزایش خواهد یافت و همراه با آن قیمت کمپانی های استخراج طلا. اما ما حتی ممکن است شاهد افت قیمت طلا و وحشت سرمایه گذاران در معادن طلا هم باشیم، از کوچک تا بزرگشان. [بر من معلوم نیست که کینگ به چه دلیل چنین احتمالی را طرح می کند. ب.ش.]

چیزی که می ماند این است. بانک مرکزی روسیه ۵۰۰۰ روبل برای هر گرم طلا پرداخت می کند و این یک کف قیمت ثابت جدید را معین می کند. نرخ تبدیل دلار-روبل افزایش یافته و روسیه اکنون یک استاندارد جدید طلا برای جهان وضع کرده است با پشتوانه گاز طبیعی، اگر نگوئیم نفت، مواد معدنی، محصولات کشاورزی و سایر صادراتش، که همگی زیر چتر حمایتی مجموعه معروف همگان زرادخانه ائومی روسیه قرار دارند.

لازم است اشاره شود که روسیه سالها برای این حرکت برنامه ریزی کرده است (بیش از محتمل این است که به همراهی چین بود). همه این ها اتفاقاتی یکباره نبودند. اما حالا این وضعیت ماست و وقت و مکانی برای سرزنش کردن نیست. پیش بینی: روبل با پشتوانه طلا تقویت خواهد شد در حالی که گرایشات تورمی ادامه دار دلاری ارز ایالات متحده را تضعیف خواهند کرد. همه این ها به خاطر آن است که تنها عده محدودی در غرب این را می فهمند که «طلا پول است». یک روند تازه جهانی آموزش اقتصاد در حال آغاز شدن است. زمان آن رسیده است که آن کتاب های کهنه چند قرن پیش درباره «استاندارد طلا» گردگیری شوند.

و هر چقدر هم آن تانکها و زره پوشهای شوروی در میانه میدان یک نبرد مدرن قراضه به نظر برسند، قیمت طلا و معدنهای طلا رو به بالا است.

فعلاً تا همینجا. از شما متشکرم

با بهترین آرزوها، بایرون و. کینگ

<https://investorintel.com/markets/gold-silver-base-metals/gold-precious-metals-intel/russia-deploys-the-gold-weapon/>